

تعریف

علم‌درایه،

رجال و تراجم رجال

اشاره:

از آنجا که بخش بزرگی از دانش فقه، بر پایه سنت به معنای عام آن استوار است، و حدیث یکی از اساسی‌ترین منابع شناخت فقهی محسوب می‌گردد، آگاهی از چگونگی نقل و فهم هر یک از روایات موجود در کتب روایی امری مهم و ضروری است، بویژه آنکه می‌دانیم در برهه‌ای از قرون اولیه اسلام، نقل و ضبط حدیث رنگ سیاسی پیدا کرد و انگیزه‌های زیادی برای جعل حدیث به وجود آمد.

جعل حدیث از سوی عناصر وابسته به نظامهای حاکم غیرشعی، جهت مقابله با حاملان و مفسران حقیقی دین، یعنی ائمه (ع) صورت گرفت. با این حربه از حدیث به‌عنوان یک عامل پیش‌برنده در جهت مقاصد شوم سیاسی سود جستند و حاصل آن ساختن روایات و احادیث دروغین است.

برخی از دانشوران حدیث‌شناس بر این باور هستند که هزاران حدیث با حمایت قدرتهای سیاسی آن روزگار جعل شد که راه را برای اندیشه‌گران دشوار ساخت چراکه احادیث جعلی و ساختگی، پهلوی پهلوی احادیث صحیح قرار گرفتند و دستیابی به احکام درست‌اسلامی را گنبد و در مواردی ناممکن نمود.

منع از تدوین و گردآوری حدیث در برهه‌ای از زمان نیز گنبد به دستورات قدرت‌مداران جامعه اسلامی آن روز صورت می‌گرفت، مزید بر علت شد، چون در نقل شفاهی هم ریزه‌کاری‌ها رعایت نمی‌شد، هم مواردی به فراموشی سپرده می‌شد. از این رو، همواره امامان (ع) به پیروان خود سفارش می‌نمودند که احادیث را به صورت نوشتار درآورند و آنها را به نسلهای بعدی بیاورند.

از آنچه گفتیم، ضرورت حدیث‌شناسی به تدریج در کنار فقه هویدا شد تا آنکه در گذر زمان و تحول فقه، از یک کارآمدی خاص بهره‌مند گردید و امروزه کتابهای متعددی در این فن به رشته تحریر درآمده است. سلسله مقالاتی که تحت عنوان حدیث‌شناسی خواهیم داشت، تقریرات درس آیت‌الله اشرفی شاهرودی است که در دفتر تبلیغات اسلامی خراسان تدریس شده است. گفتنی است نگاشته حاضر، پس از تنظیم و تحریر، با حفظ محتوا، فرا پیش‌خوانندگان ارجمند قرار می‌گیرد.

آیت الله مصطفی اشرفی شاهرودی

بخش نخست

بدون تردید یکی از مهمترین اصول شناخت دین، سنت است. در میان ادله اربعه (کتاب، سنت، عقل و اجماع) در اصول و فروع، از حدیث و سنت بیش از دیگر ادله استفاده می‌کنیم زیرا موارد اجماع، در شناخت مبانی و احکام اسلام از عدد انگشتان تجاوز نمی‌کند، حتی بعضی از فقهاء گفته‌اند: «باطل بودن تعلق در عقود تنها موردی است که با اجماع ثابت شده است و در جای دیگر نمی‌توان به اجماع به صورت قطعی استناد کرد.»

اما عقل، گرچه از دیدگاه اخباریان حجیت ندارد ولی این مبنا ضعیف است، با این همه باید گفت بر فرض این که

بتوان به عقل هم در شناخت اسلام استناد کرد، تنها در اصول دین است، اما در فروع دین (فقه و...) این استناد امکان ندارد. و در باب استلزامات عقلیه هم که در اصول مطرح است، تعداد کمی از احکام را می‌توان شناخت، مضافاً بر این که در اصول دین هم ما تنها در اصل توحید و نبوت و معاد می‌توانیم به عقل استناد کنیم اما در چگونگی خصوصیات صفات ا و خصوصیات احوال برزخ و معاد این امر شدنی نیست.

و اما قرآن که بزرگترین سند افتخار اسلام است و گفته شده که حدود ۱۳۰۰ آیه در توحید و ۱۲۰۰ آیه در معاد و همین تعداد در احوال انبیاء دارد، در مسائل فقهی بیش از ۵۰۰ آیه ندارد و علما کتابهایی در این باره به نام آیات الاحکام نوشته‌اند. پرواضح است که این همه ابواب فقه را با این تعداد نمی‌توان شناخت، همان ۵۰۰ آیه هم اکثر اجمل یا مطلق است که احتیاج به مبین و مقتد دارد و این تبیین و تقیید هم با احادیث انجام شده است.

پس می‌توان گفت: سه اصل (قرآن؛ عقل و اجماع) یک هزارم فقه را هم تأمین نمی‌کنند، و اسلام را با این گستردگی فراوان که پیغمبر (ص) فرمود: «ما من شیء یقرّبکم الی الجنة و یبعّدکم عن النار الا وقد امرتکم به و ما من شیء یباعّدکم عن الجنة و یقرّبکم الی النار و الا قد نهیتکم عنه» تنها در پرتو یاری جستن از احادیث می‌توان شناخت.

از این رو می‌توان گفت بزرگترین منبع شناخت احکام اسلام، حدیث و سنت رسول الله (ص) و ائمه طاهرین (ع) است. لذا از صدر اسلام علماء به ثبت و نوشتن حدیث اهتمام شدید می‌ورزیدند، و خود پیغمبر اکرم (ص) نیز به حفظ و کتابت حدیث سفارش می‌کرد و در حدیث معروف ثقلین که اهل سنت به جای «و

عترتی» می‌گویند «و سنتی»، باز هم تفاوت نمی‌کند - یعنی کتاب خدا تنها با سنت رسول الله (ص) می‌تواند دین را معنی کند.

پیغمبر اکرم (ص) در مورد اهمیت نقل و حفظ حدیث می‌فرماید: اللهم ارحم خلفائی ثلاثاً، قیل و من خلفاؤک یا رسول الله؟ فرمودند: الذین یأتون بعدی و یروون حدیثی. در این فرمایش ناقلاًن حدیث را به عنوان خلفای خود یاد کرده است.

در روایت دیگر فرمود: رحم (أونصر) الله عبداً سمع مقالتی فواعاها و بلغها (خدا رحمت کند کسی که کلام مرا بشنود و به دیگران ابلاغ نماید).

در کتاب عاصم بن حمید آمده وی از ابی بصیر شنید که حضرت صادق (ع) فرمود: جماعتی از اهل بصره بر من وارد شدند و از حدیث سؤال کردند، حضرت فرمودند: «ما ینعکم عن کتابة الحدیث». چه چیزی شما را از نوشتن حدیث باز می‌دارد؟! و در حدیث دیگری که شهید ثانی

در منیة المرید نقل می‌کند، آمده است: «کسی که دو حدیث بشنود و به دیگران منتقل کند بهشت به او تعلق دارد». روایات با این مضامین بسیار است و همه نشانگر عظمت حدیث و نشر و بسط آن می‌باشد. از این رو در زمان پیغمبر (ص) رسم حدیث‌نویسی آغاز گردید.

بنابراین سنت که عبارت است از: فعل، قول یا تقریر معصوم که از طریق نقل به ما می‌رسد، بزرگترین راه شناخت دین و اسلام است.

علم درایه و علم رجال

دو علم درایه و رجال برای شناخت حدیث معتبر از غیر معتبر تدوین شده‌اند

چون از پیامبر (ص) نقل شده است: ستکثر علی القالة (گروهی زیاد به من دروغ خواهند بست) الا فمن کذب علی متعمداً فلیتبوء مقعده من النار. دروغ بستن به پیغمبر (ص) و ائمه (ع) در گذشته تاریخ اسلام از طرف مخالفین آنها امری رایج بوده است. به عنوان نمونه گروهی به دستور ابن ابی العوجاء در میان اصحاب حضرت صادق (ع) نفوذ نموده و کتب اینها را به طور امانت می‌گرفتند و بعد آنها را زیاد و کم می‌کردند یعنی در همان کتب اصلی دستبرد می‌زدند تا چه رسد به کتبی که خودشان جعل کردند و به نام ائمه دین منتشر کردند.

مرحوم علامه امینی در الغدیر (ج ۸) از بعضی نقل می‌کند که بیش از چهل هزار حدیث، جعل کردند و به پیغمبر (ص) نسبت دادند.

و اخیراً کتابی در مصر به نام سعودی منتشر شد با بیش از صد هزار حدیث و بیشتر علمای مصر معتقدند بیش از ۹۰ هزار از این احادیث، جعلی و دروغ است.

شهید ثانی نیز در کتاب درایة الحدیث از یکی از بزرگان نقل می‌کنند: من حدیثی دربارہ عظمت قرآن و آیات قرآن، از یکی شنیدم به او گفتم این حدیث را از چه کسی شنیدی، گفت شیخی در عبادان این حدیث را برای ما نقل کرده می‌گوید: به سوی عبادان رفتم دیدم مجلسی است از مجالس تصوف، به راوی گفتم این حدیث را تو

گفتی؟ گفت: بله، گفتم: از کجا نقل کرده‌ای؟ گفت: ما دیدیم به قرآن توجه نمی‌کنند ما هم عمداً این حدیث را به پیغمبر نسبت دادیم تا مردم به قرآن بیشتر توجه کنند. براین اساس علم درایه و رجال برای تشخیص احادیث صحیح و معتبر از احادیث غیر صحیح و غیر معتبر تدوین شده است و از اینجاست که اهمیت این دو علم روشن می‌شود.

خلفاؤک؟ قال: الذین یأتون من بعدی و یروون احادیثی و ستی فیسلمونها الناس من بعدی. (۱)

۲. من ادى الى امتی حديثاً یقام به سنة او یثلم به بدعة فله الجنة. (۲)

۳. من تعلم حدیثین اثین ینفع بهما نفسه او یعلمهما غیره یتفتح بهما کان خیراً من عبادة ستین سنة. (۳)

۴. عن الصادق (ع): من حفظ من شیعتنا اربعین حديثاً بعثه الله عزوجل یوم القيامة فقیهاً عالماً و لم یعدبه. (۴)

۵. عن ابی عبدالله (ع) قال ان رسول الله (ص) خطب الناس فی المسجد الخیف فقال: نضر الله عبداً سمع مقالتي فوعاها و بلغها من لم یسمعها، قرب حامل فقه غیر فقیه و رب حامل فقه الی من هو افقه منه. (۵)

۶. عاصم بن حمید عن ابی بصیر قال: دخلت علی ابی عبدالله (ع) فقال: دخل علی اناس من اهل البصرة فسألونی عن احادیث، و کتبوها فما یمنعکم من الکتاب اما انکم لن تحفظوا حتی تکتبوا. (۶)

پی نوشت ها:

۱. بحار الانوار ۲/۱۴۴

۲. همان ۱۵۲

۳. همان

۴. وسائل ج ۱۸/۵۴

۵. اصول کافی ۱/۴۰۳ و وسائل ۱۸/۶۳

۶. بحار ۲/۱۵۳

اما علم رجال، یعنی شناخت انسانهایی که در سلسله سند حدیث قرار گرفته اند، از نظر جرح و تعدیل. مثلاً می خواهیم زرارة را بشناسیم که آیا انسان عادل بوده یا غیر عادل، اما این که شغلش چه بوده و چه ویژگی های داشته، ارتباطی به علم رجال ندارد.

پس علم رجال علم شناخت یکایک شخصیهایی است که در سلسله سند قرار دارند. بنابراین اشخاصی که در سند قرار نمی گیرند شناخت آنها ارتباطی به علم رجال ندارد، شناخت غیر جرح و تعدیل نیز ارتباطی به علم رجال ندارد بلکه شناخت از نوع غیر جرح و تعدیل در علمی به نام «تراجم رجال» بحث می شود. لذا علم سومی به نام تراجم رجال یا به اصطلاح امروز (بیوگرافی بزرگان و دانشمندان) داریم که در آن از شناخت احوال بزرگان (چه علمی یا سیاسی یا...) بحث می شود که ربطی به حدیث شناسی ندارد.

جناب آقای سبحانی در کتاب کلیاتی از علم رجال نوشته اند. که درایه مربوط به متن حدیث و رجال مربوط به سند حدیث است. ولی درست نیست بلکه علم رجال شناخت افراد سند حدیث است، از حیث جرح و تعدیل، ولی علم درایه شناخت متن و سند حدیث من حیث المجموع است که موثق است یا ضعیف؟ صحیح است یا نه؟

احادیثی در اهمیت نشر حدیث

۱. قال رسول الله (ص) اللهم ارحم خلفائی - ثلاثاً - قبل یا رسول الله و من

درایه در لغت به معنای علم مسبوق به شک است، بدین جهت عنوان «داری» نسبت به خداوند معنی ندارد زیرا علم خداوند متعال مسبوق به شک نیست. و در اصطلاح گفته شده است: «هو علم یبحث فیه عن متن الحدیث و سنده و طرقه من صحیحها و سقیمها و علیها و ما یحتاج الیه لیعرف المقبول منه من المرود.»

مقصود از متن حدیث، الفاظ خود معصوم است و مراد از سند حدیث، سلسله راویانی هستند که به معصوم (ع) منتهی می شوند.

شهید ثانی در درایه خود و شیخ بهائی در وجیزه در تعریف «درایه» چنین گفته اند:

«الدرایه: علم یبحث فیه عن سند الحدیث و متنه و کیفیة تحمله و آداب نقله»
تحمل حدیث، یعنی این که چه کسی و در چه حالی این حدیث را متحمل شده و نقل کرده است؟ و منظور از آداب نقل: یعنی در زمان نقل از اعتقاد سالم برخوردار بوده و یا دچار انحراف از حق بوده است. مانند «علی بن ابی حمزه بطائنی» که مدتها و کیل امام کاظم (ع) بود، ولی بعد از رحمت حضرت، به علت پول های سهم امامی که در دستش جمع شده بود، منحرف شد، یا «بنی فضال» که در برهه ای از زمان مردم بسیار صادقی بودند اما بعد فطحنی مذهب شدند. پس درایه یعنی حدیث شناسی شامل شناخت متن و سند حدیث و شناخت حدیث معتبر و غیر معتبر و آدابی که در نقل و تحمل حدیث است.